

نگرشی اجمالی به امام رضا علیه السلام از نگاه رجالیون اهل تسنن

پدیدآورندگان: احمد آرخ^۱

احد داوری^۲

چکیده:

بررسی شخصیت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام از نگاه علمای اهل تسنن به روش توصیفی تحلیلی در این پژوهش مورد واکاوی قرار گرفته است، از این رو پس از بیان اهمیت مسأله به ذکر گونه‌های حضرت رضا علیه السلام در کتب رجالی و حدیثی اهل تسنن پرداخته شده که عبارتند از: توجه به نسب والای حضرت رضا علیه السلام و اعتبار احادیث وی، سرور و سید بودن حضرت، راستی و صداقت امام، نقل حدیث از ایشان، عجیب و غریب بودن روایات حضرت و اعتقاد به توسل و زیارت حضرت رضا علیه السلام. این نوشتار همچنین راهکارهایی برای رفع تناقض‌های احتمالی میان علمای اهل تسنن در برخورد با احادیث حضرت ارائه داده است.

واژگان کلیدی: حضرت رضا علیه السلام، مطالعات رجالی، اهل تسنن، برخورد دو گانه.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم قرآنی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم.
۲. عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم و دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی.

مقدمه

میزان اعتبار احادیث حضرت علی بن موسی علیه السلام در میان علمای شیعه به دلایل اعتقادی از جمله اینکه آن حضرت را امام معصوم می دانند بر کسی پوشیده نیست؛ به اعتقاد شیعه امام حجت خدا بر روی زمین است، بویژه که قرآن کریم هر جا نامی از امامت می برد، به دنبالش متعرض هدایت می شود، تعرضی که گویی می خواهد کلمه نامبرده را تفسیر کند، از آن جمله در ضمن داستان حضرت ابراهیم علیه السلام می فرماید: وَ هَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ نَافِلَةً، وَ كَلَّمَا جَعَلْنَا صَالِحِينَ، وَ جَعَلْنَاهُمْ أَيْمَةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا، (انبیاء: ۷۳) ما به ابراهیم، اسحاق را دادیم، و علاوه بر او یعقوب هم دادیم، و همه را صالح قرار دادیم، و مقرر کردیم که امامانی باشند که به امر ما هدایت کنند و نیز می فرماید: وَ جَعَلْنَا مِنْهُمْ أَيْمَةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا، وَ كَانُوا بآيَاتِنَا يوقُونَ (سجده: ۲۴) و ما از ایشان امامانی قرار دادیم که به امر ما هدایت می کردند، و این مقام را بدان جهت یافتند که صبر می کردند، و به آیات ما یقین داشتند؛ از این دو آیه بر می آید وصفی که از امامت کرده، وصف تعریف است و می خواهد آن را به مقام هدایت معرفی کند از سوی دیگر همه جا این هدایت را مقید به امر کرده، و با این قید فهمانده که امامت به معنای مطلق هدایت نیست، بلکه به معنای هدایتی است که با امر خدا صورت می گیرد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۱۰/۱ و ۴۱۱). تفسیر این هدایت به امر را می توان در این روایت به صورت مصداقی مشاهده کرد که امام علی علیه السلام می فرماید: إِنَّهُ لَيْسَ عَلَى الْإِمَامِ إِلَّا مَا حُمِّلَ مِنْ أَمْرِ رَبِّهِ الْإِبْلَاقُ فِي الْمَوْعِظَةِ وَالْإِجْتِهَادُ فِي النَّصِيحَةِ وَالْإِحْيَاءُ لِلْسُّنَّةِ وَإِقَامَةُ الْحُدُودِ عَلَى مُسْتَحِقِّيهَا وَ إِصْدَارُ السُّهُمَانِ عَلَى أَهْلِهَا (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق: ۱۵۲ خطبه ۱۰۵)؛ همانا، بر امام نیست جز آنچه از امر پروردگار به عهده او واگذار شده: کوتاهی نکردن در موعظت، و کوشیدن در نصیحت، و زنده کردن سنت، و جاری ساختن حدود بر مستحقان، و رساندن سهم‌های- بیت المال- به در خور آن. (شریف الرضی، ۱۳۷۸: ۹۸).

اما بررسی میزان اعتبار احادیث و سخنان آن حضرت از نگاه رجالیون اهل تسنن دارای اهمیت خاصی خواهد بود؛ چرا که برخورد همسانی همچون شیعه با آن حضرت ندانسته و وی را معصوم نمی دانند؛ از طرف دیگر بررسی اجمالی کتب رجالی و حدیثی اهل تسنن بیانگر آن است که علی بن موسی الرضا علیه السلام را فردی ثقه دانسته و در برخی موارد به آن حضرت ذکر احادیث عجیب و غریب نسبت می دهند؛ لذا ضروری است که شخصیت آن حضرت از گاه رجالیون اهل تسنن مورد کنکاش قرار گیرد؛ هر چند بررسی کامل مساله مجال وسیع تری را می طلبد.

از این رو لازم است که گونه های معرفی امام علیه السلام در رجال اهل تسنن مورد بررسی قرار گرفته و میزان اعتبار احادیث آن حضرت مورد کاوش قرار گیرد و اگر در مواردی تناقض هایی میان اقوال وجود دارد باید به بررسی چرایی و چگونگی این تناقض و در صورت امکان برای توجیه آن اقدام گردد. بر این اساس باید به این سوالات پاسخ گفت که حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در نگاه رجالیون اهل تسنن چه شخصیتی دارد؟ علمای اهل تسنن چگونه به معرفی امام علیه السلام پرداخته اند و میزان اعتبار احادیث حضرت در نزد آنها چقدر است؟ چگونه به توجیه تناقض و به عبارتی بهتر تناقض نماها در معرفی حضرت می توان پرداخت؟

در بررسی پیشینه پژوهش لازم به ذکر است در برخی موارد نظیر اعتقاد به توسل و زیارت حضرت مقالاتی از جمله «توسل و زیارت در منابع اهل سنت و نقد دیدگاه وهابیت با تاکید بر زیارت امام رضا علیه السلام» به قلم حسین حسینی تبار و محمد محسن مروجی طبسی در شماره پنجم فصلنامه پژوهش های اعتقادی کلامی نوشته شده است که در تحریر نوشته اخیر از آن استفاده شده است؛ هر چند با بررسی های ابتدایی و اجمالی کتاب مستقلی درباره بررسی شخصیت حضرت امام رضا علیه السلام از نگاه اهل تسنن یافت نشد. ناگفته نماند در این مجال فقط به بررسی رجالی حضرت پرداخته شده نه بررسی تاریخی نظیر تاریخ تولد، نام مادر و.... که نمونه ای از بررسی تاریخی حضرت در برخی منابع نظیر تاریخ بغداد یافت می شود (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق: ۵/۹۶). ناگفته نماند به دلیل بررسی موضوع در کتب رجالی اهل تسنن در این مجال از واژه حضرت استفاده شده و به ندرت از واژه امام استفاده می گردد.

گونه های معرفی حضرت رضا علیه السلام در رجال اهل تسنن

با حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در رجال اهل تسنن به شیوه ها و گونه های مختلفی معامله شده و هر کسی به تناسب میزان شناخت خود، معرفی مخصوصی از آن حضرت ارائه کرده است که در ادامه به گونه های مختلف آن پرداخته می شود. البته برخی از این گونه ها در هم قابل ادغام بوده و در تعدادی از روایات در کنار همدیگر از دو یا چند گونه مختلف استفاده شده است.

الف: توجه به نسب والای حضرت و اعتبار احادیث وی

گاهی حضرت رضا علیه السلام با نسب والای خود که به حضرت علی بن ابی طالب علیهما السلام می رسد یاد شده و از این جهت حدیث وی دارای اعتبار دانسته شده است از جمله می خوانیم: وهو علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب؛ (ابن حبان، ۳۹۳ق: ۴۵۶/۸؛ مزی، ۱۴۰۶ق: ۲۲۱/۱۵۲)؛ در روایت دیگری می خوانیم: أخبرنا عبد العزيز بن محمود الحافظ ويوسف بن كامل بن المبارك الحذاء، قالا: أنبأنا يحيى بن علي بن الطراح وأنبأنا عمر بن معمر المؤدب، أنبأنا محمد بن عبد الله بن عبد الصمد بن المهدي بالله قال: أنبأنا أبو عبد الله الحسين بن أحمد بن عبد الله بن بكير قال: حدثنا عبيد الله بن أحمد بن عبد الرحمن الذهبي أبو الطيب و عبيد الله بن يحيى بن زكريا بن يزيد بن أبي عمرو الدقيقي قالا: حدثنا أبو طالب عبد الله بن محمد بن الحسن بن شهاب العكبري، حدثنا أبو القاسم عبد الله بن محمد بن غياث الهروي الخراساني، حدثنا أحمد بن عامر بن سليمان الطائي، حدثنا علي بن موسى الرضا، حدثني أبي موسى، حدثني أبي جعفر، حدثني أبي محمد، حدثني أبي علي، حدثني أبي الحسين، حدثني علي بن أبي طالب رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم إذا سميت الولد محمدا فأكرموه وأوسعوا له في المجلس ولا تقبخوا له وجهها (خطیب بغدادی، ۱۴۲۷ق: ۲/۱۲)؛ أحمد بن عامر بن سليمان الطائي برای ما حدیث کرده است که حضرت علی بن موسی الرضا از پدرم موسی و از پدرم جعفر و از پدرم محمد و از پدرم علی و از پدرم حسین و از حضرت علی بن ابی طالب (صلوٰه الله

عليهما) فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: اگر پسران را محمد نامیدید، او را گرامی بدارید و در مجالس برای او جا باز کنید و چهره او را زشت نسازید.

البته در میان روایان حضرت، اباضت از نگاه اهل تسنن جایگاه خاصی ندارد، لذا علی رغم هر توصیفی که از حضرت رضا علیه السلام کرده اند روایاتی را بیشتر مورد تاکید قرار می دهند که از غیر طریق اباضت نقل شده است. از جمله ابن حبان در الثقات و مزی در تهذیب الکمال می نویسند: یجب أن یعتبر حدیثه إذا روی عنه غیر أولاده و شیعته و أبي الصلت خاصة لانه فی نفسه کان أجل من أن یکذب؛ حدیث او معتبر است اگر غیر اولاد و شیعیان او روایت کنند مخصوصا اباضت چرا که اخباری که از او روایت می شود به اباضت می رسد یا به اولاد و شیعیانش می رسد و او [حضرت رضا علیه السلام] شان و مقامش اجل از این است که دروغ بگوید. (ابن حبان، ۱۳۹۳ق: ۸/ ۴۵۶؛ مزی، ۱۴۰۶ق: ۲۱/ ۱۵۲)

ملاحظه می شود که صداقت را در آن حضرت به اندازه ای می دانند که شأن حضرت را دور از دروغ می داند. جالب آن است که ادامه روایت تاکید بیشتری بر شخصیت آن حضرت حتی پس از مرگ دارد و نویسنده تا آن جایی پیش می رود که آرزو می کند بر محبت پیامبر و اهل بیتش علیهم السلام بمیرد: أمانتا الله علی محبة المصطفى وأهل بيته صلی الله علیه و سلم الله علیه و علیهم أجمعین؛ (ابن حبان، ۱۴۰۶ق: ۸/ ۴۵۶؛ مزی، ۱۴۰۶ق: ۲۱/ ۱۵۲)

ب: سرور و سید بودن حضرت رضا علیه السلام

در برخی از آیات اهل تسنن برای امام علیه السلام لفظ سید به کار رفته است که این سید نه به معنای اولاد پیامبر بودن بلکه به معنای سرور است از جمله در کتاب تاریخ مدینه دمشق می خوانیم: روی عنه علی الحنائی قرأت بخط أبي الحسن علی بن محمد الحنائی أنبأنا أبو عبد الله محمد بن إسحاق بن إبراهيم الأنطاکی أخو العریف الشیخ الصالح حدثنا أبو بكر محمد بن عمر الجعابی الحافظ حدثني أبي حدثني عبد الله حدثنا سیدی علی بن موسی الرضا حدثني موسی بن جعفر حدثني جعفر بن محمد حدثني علی بن الحسين عن الحسين حدثنا علی بن أبي طالب قال سمعت رسول الله صلی الله علیه و سلم وهو يقول من أفتی بغير علم لعنته ملائكة السماء والأرض (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق: ۵۲/ ۲۰)؛ ... علی الحنائی از او روایت می کند خط ابی الحسن علی بن محمد الحنائی را خواندم که ابو عبدالله محمد بن اسحاق بن ابراهیم انطاکی برادر عریف شیخ صالح ما را خیر داده است که أبو بكر محمد بن عمر جعابی حافظ برای ما حدیث کرده است حدیثی از پدرم و پدرم از عبدالله و او از آقا سیدم (سیدم) حضرت علی بن موسی الرضا (صلوٰه الله علیهما) از حضرت موسی بن جعفر و از جعفر بن محمد و از علی بن حسین و حضرت حسین از حضرت امیرالمؤمنین (صلوٰه الله علیهم) که فرمود: شنیدم که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود: هر که بدون علم و دانش فتوا دهد، ملائکه آسمان و زمین او را لعنت می کنند.

البته در برخی از موارد نیز عنوان علوی را برای حضرت برگزیدند که اشاره به رسیدن نسبت آن حضرت تا علی بن ابی طالب علیه السلام را دارد از جمله: محمد بن عبد الله بن مسلم الصفار اللاحقی حدث عن علی بن موسی بن جعفر العلوی روی عنه عمر بن

أحمد بن روح البصرى أخبرنا محمد بن عمر بن بكير النجار حدثنا أحمد بن جعفر بن محمد بن مسلم الختلى حدثنا عمر بن أحمد بن روح الساجى بالبصرة حدثنا محمد بن عبد الله بن مسلم اللاحقى الصفار ببغداد قال حدثنا على بن موسى الرضا حدثنا أبى موسى حدثنا أبى جعفر بن محمد بن على بن الحسين عن أبيه ع جده قال قال أمير المؤمنين يعنى عليا صيام شهر الصبر وثلاثة أيام الشهر صيام الدهر من جاء بالحسنه فله عشر أمثالها (خطيب بغدادى، ۱۴۱۷ق: ۱/ ۴۳۰)؛ محمد بن عبدالله بن مسلم الصفار اللاحقى از على بن موسى بن جعفر العلوى حديث کرده و عمر بن أحمد بن روح البصرى از او حديث کرده است و محمد بن عمر بن بكير النجار به ما خبر داد أحمد بن جعفر بن محمد بن مسلم الختلى از عمر بن أحمد بن روح الساجى بالبصرة بر ما حديث کرده که محمد بن عبد الله بن مسلم اللاحقى الصفار در بغداد گفت حضرت على بن موسى الرضا از موسى و از جعفر بن محمد بن على بن الحسين از حضرت امام سجاد از پدرش از جدش (صلوة الله عليهم أجمعين) که حضرت أميرالمؤمنين على (صلوة الله عليه) فرمود: صبر برابر است با روزه يك ماه و و سه روز برابر با يك ماه ... هر که نيکى کند پس ده برابر آن پاداش دارد.

نا گفته نماند در بسيارى از موارد امام رضا عليه السلام احاديثى را که برای مردم بيان می کرد با سند خود از پدران گراميش از پیامبر گرامى اسلام صلى الله عليه و آله و سلم نقل می کرد و دليل اين کار شرايط خاص فرهنگى اجتماعى و سياسى عصر حضرت و رونق علوم حديث بود؛ نگاهی به شرايط عصر زندگى امام رضا عليه السلام بيانگر تفاوت محسوس زندگى امام با ساير ائمه می باشد؛ در مقایسه بسیار جزئى با پدر حضرت مشاهده می شود که امام کاظم عليه السلام مدت زيادى در زندان خليفه وقت به سر برده است (ابن جوزى، ۱۴۱۸ق: ۳۱۵؛ جعفریان، ۱۳۸۱: ۳۹۴) در حالى که امام رضا عليه السلام از آزادى بيشترى برخوردار بوده و حتى بر مسند وليعهدى نیز تکیه کرده است. قطعا اين آزادى عمل تاثير بيشترى بر تعامل امام با سايرين داشته است. تفاوت ديگر عصر امام برگزاري مناظرات اعتقادى با علمای فرقه ها و ادیان مختلف و معرفى اسلام ناب توسط امام بود که در عصر ساير ائمه چنين مناظراتى با اين وسعت به ندرت يافت می شود. البته بيشتر تعامل امام مربوط به زمانى می شود که به دستور مامون و به طور اجبارى (کلينى، ۱۴۰۷: ۴۸۸/۱ و ۴۸۹) از مدينه به مرو هجرت کردند و امکان چنين فعاليت هاى به امام داده شد و گرنه در مدينه رفتار امام بيشتر شبیه ساير ائمه عليهم السلام بود؛ به طوری که در جمله اى خطاب به مامون چنين مساله اى را بازگو کرده و می فرمايند: «به خدا سوگند خلافت را هيچ گاه با خود حديث نفس نکرده ام و فکر آن را در سر نپرورانده ام، من در مدينه بودم با همان چهار پای سواری خود در کوچه هاى آن رفت و آمد می کردم، و مردم آن سامان و غير از آنان از من حاجتشان را می خواستند، و من آنچه در توانم بود اجابت می کردم و حاجتشان را بر می آوردم» (ابن بابويه، ۱۳۷۸: ۱۶۶/۲ و ۱۶۷؛ جزائرى، ۱۴۲۷ق: ۲/ ۳۷۰)

بى شك در چنين مواردی ناقلاں حديث نیز روايات آن حضرت را از زبان اجدادش با ذکر كامل اسناد نقل کرده اند، نمونه اى از اين حديث را می توان از طبقات الشافعية نقل کرد: روى عنه على الحنائى قرأت بخط أبى الحسن على بن محمد الحنائى أنبأنا أبو عبد الله محمد بن إسحاق بن إبراهيم الأنطاكى أخو العريف الشيخ الصالح حدثنا أبو بكر محمد بن عمر الجعابى الحافظ حدثنى أبى حدثنى عبد الله حدثنا سيدى على بن موسى الرضا حدثنى موسى بن جعفر حدثنى جعفر بن محمد حدثنى على بن الحسين عن الحسين حدثنا

علی بن ابی طالب قال سمعت رسول الله (صلى الله عليه وسلم) وهو يقول من أفتى بغير علم لعنته ملائكة السماء والأرض. (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق: ۵۲/ ۲۰)؛ ... علی الحنائی از او روایت می کند خط ابی الحسن علی بن محمد الحنائی را خواندم که ابو عبدالله محمد بن اسحاق بن ابراهیم انطاکی برادر عریف شیخ صالح ما را خبر داده است که ابو بکر محمد بن عمر جعابی حافظ برای ما حدیث کرده است حدیثی از پدرم و پدرم از عبدالله و او از آقا میر (سیدم) حضرت علی بن موسی الرضا (صلوٰه الله علیهما) از حضرت موسی بن جعفر و از جعفر بن محمد و از علی بن حسین و حضرت حسین از حضرت امیرالمؤمنین (صلوٰه الله علیهم) که فرمود: شنیدم که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود: هر که بدون علم و دانش فتوا دهد، ملائکه آسمان و زمین او را لعنت می کنند.

البته گاهی نیز روایات نقل شده بدون ذکر اسناد میان آن حضرت و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است حدثنا أحمد بن محمد بن عمرو الفقیه، حدثنا خالد بن أحمد بن خالد الذهلی، حدثنا أبی قال: صلیت خلف علی بن موسی الرضا بنیسا بور، فجهر بسم الله الرحمن الرحیم فی کل سورة و یذکر أن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم کان یجهر بسم الله الرحمن الرحیم (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق: ۱/ ۱۳۸)؛ احمد بن محمد بن عمرو الفقیه برای ما حدیث کرده است که خالد بن احمد بن خالد ذهلی از پدرم نقل می کند که او گفت: در نیشابور در حال خواندن نماز بودم پشت سر حضرت علی بن موسی الرضا (صلوٰه الله علیهما). پس ایشان بسم الله الرحمن الرحیم را در هر سوره ای با صدای بلند می خواند. و یادآوری می فرمود که حضرت رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم) بسم الله الرحمن الرحیم را همیشه با صدای بلند می خواندند.

ناگفته نماند در برخی از موارد نیز به توصیفات از حضرت برمی خوریم که با واژه سید اصطلاحی از ایشان یاد شده است: وهو علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب أبو الحسن من سادات أهل البيت وعقلائهم و جلّة الهاشمیین ونبلائهم. (ابن حبان، ۱۳۹۳ق: ۸/ ۴۵۶؛ مزی، ۱۴۰۶ق: ۲۱/ ۱۵۲).

ج: راستی و صداقت امام

صداقت یکی از مهم ترین ملاک های محدثان و رجالیون در انتخاب احادیث است که علمای رجال اهل تسنن به صراحت از صداقت حضرت نام برده اند از جمله: لانه فی نفسه کان أجل من أن یکذب؛ شان و مقام حضرت اجل از این است که دروغ بگوید. (ابن حبان، ۱۳۹۳ق: ۸/ ۴۵۶؛ مزی، ۱۴۰۶ق: ۲۱/ ۱۵۲).

در توضیح باید به این نکته اشاره کرد که امام جانشین بر حق رسولی است که حجت خدا بر بندگان بوده و خلق را با زبان راستی به راه حق فرا می خوانند: بَعَثَ رُسُلَهُ بِمَا خَصَّهْمُ بِهِ مِنْ وَحْيِهِ وَ جَعَلَهُمْ حُجَّةً لَهُ عَلَى خَلْقِهِ لِنَلَّا تَجِبَ الْحُجَّةُ لَهُمْ بِتَرْكِ الْأَعْدَارِ إِلَيْهِمْ فَدَعَاَهُمْ بِلسان الصدقِ إلی سبیل الحقّ (شریف رضی، ۱۴۱۴ق: خطبه ۱۴۴)

خداوند رسولان خویش را به وسیله وحی که ویژه پیامبران می باشد، مبعوث ساخت، و آنان را حجت خویش بر بندگانش قرار داد تا این که بهانه ای در برابر (خداوند) در اثر نفرستادن راهنما نداشته باشند. و به این ترتیب بندگان را به زبان راستی به سوی حق فرا خوانده.

به طور کلی راستی را از شرایط رهبری بوده وَ لِيُصَلِّقُوا رَأْيَهُ أَهْلَهُ (شریف رضی، ۱۴۱۴ق: خطبه ۱۰۸) باید راهنمای جمعیت به افراد خود راست بگوید.

و از جمله ویژگی‌های راسخان در علم را صدق و راستگویی است: إِنَّ نَطَقُوا صِدْقًا وَإِنْ صَمَّتُوا لَمْ يَسْبُتُوا؛ (شریف رضی، ۱۴۱۴ق: خطبه ۱۵۴) اگر سخن گویند راست گویند، و اگر سکوت کنند کسی از آنان سبقت نگیرد.

گاهی مساله به اندازه ای واضح است که کسی در باره آن سخنی نمی گوید؛ می توان صدق و راستی حضرت علی بم موسی الرضا علیه السلام را نیز از این باب دانست که همچون آفتاب می درخشید و کسی درباره آن شکی نداشته لذا سخن کمتری گفته شده است. برای تقریب به ذهن می توان به این مثال تمسک جست که در کتب رجالی اخیر کسی درباره صداقت امام خمینی و علامه طباطبایی خنی نمی گوید، این عدم گفتار به دلیل وضوح بیش از حد مطلب است.

د: نقل حدیث از امام علیه السلام

در برخی منابع حدیثی به ذکر احادیثی از امام علیه السلام اکتفا شده است، هرچند به لحاظ تاریخی امکان نقل احادیث از آن حضرت در صحاح سته غیر ممکن یا بعید است؛ لیکن می توان به تنها حدیث (!) نقل شده از امام رضا علیه السلام در صحاح سته اشاره کرد که امام علیه السلام می فرمایند: حدثنا سهل بن أبي سهل، ومحمد بن إسماعيل قالا: ثنا عبد السلام بن صالح أبو الصلت الهروي، ثنا علي بن موسى الرضا، عن أبيه، عن جعفر بن محمد، عن أبيه، عن علي بن الحسين، عن أبيه، عن علي بن أبي طالب، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: الإيمان معرفة بالقلب وقول باللسان وعمل بالأركان. (ابن ماجه، ۱/ ۲۵ و ۲۶).

به تناسب سنن ابن ماجه این حدیث در سایر منابع روایی نیز نقل شده است، از جمله به سندی دیگر در تاریخ بغداد خطیب بغدادی نقل شده است: ثنا العدوی ثنا الهیثم بن عبد الله ثنا علی بن موسی الرضا ثنا موسی بن جعفر بن محمد عن ابیه جعفر عن ابیه محمد عن ابیه علی عن ابیه الحسین عن ابیه علی بن ابی طالب عن النبی الله صلی الله علیه وسلم الإیمان معرفة بالقلب و اقرار باللسان وعمل بالأركان (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ۱/ ۲۷۱).

جالب این است که این حدیث را ابن جوزی در الموضوعات نقل کرده است (ابن جوزی، ۱۳۸۶ق: ۱/ ۱۲۸) ظاهراً علت اینکه تعدادی از علماء این حدیث را تضعیف کرده اند وجود ابا صلت هروی است (إسناد هذا الحدیث ضعیف لاتفاقهم علی ضعف ابی الصلت (ابن ماجه: ۱/ ۲۶).

البته برتری محتوا و علو متن حدیث ما را به صحت آن امیدوار می کند و از طرف دیگر داعیه ای برای ضعف حدیث فوق ندارد. نکته دیگری نیز در این میان قابل طرح است و آن بررسی کامل متن حدیث است: که پس از تعریف سه گانه ایمان از قول ابو صلت آمده است: قال أبو الصلت: لو قرئ هذا الاسناد علی مجنون لبرأ. فی الزوائد: إسناد هذا الحدیث ضعیف لاتفاقهم علی ضعف ابی

الصلت (ابن ماجه: ۲۶/۱). لذا به نظر می رسد دلیل اینکه در الموضوعات این سخن آمده است به سخن ابا صلت می رسد که آن هم در جای خود قابل بحث و تصدیق است.

هـ: عجیب و غریب بودن روایات امام علیه السلام

در تعدادی از منابع روایی اهل تسنن به عجیب بودن روایات امام علیه السلام اشاره شده است، مثلا ابن حبان بر حضرت رضا علیه السلام خرده گرفته و می گوید: یاتی عن آباءه بالعجائب (آخرنا ابن حبان فی کتابه، قال علی بن موسی الرضا: یروی عنه عجائب، یهم ویخطئ) (مزی، ۱۴۰۶ق: ۱۵۲/۲۱)، آنگاه روایاتی را در کنار آن نقل می کند که در ادامه برخی از آنها را از منابع شیعه نقل می کنیم از جمله حدیث تقسیم ایام هفته به ایام دوستان و دشمنان اهل بیت علیهم السلام.

هرچند برخی مطالب به مأمون نسبت داده شده است که در کنار خضوع در برابر حضرت قائل به غلو بود (وکان المأمون یخضع له، ویتغالی فیہ (عطاردی، ۱۳۹۷ق: ۱/۱۳۶).

شاید به همین دلیل باشد که برخی احادیث حضرت در کتاب «الموضوعات» ابن جوزی نقل شده است به عنوان نمونه برخی احادیث که در منابع شیعی نقل شده و هم در منابع اهل تسنن، به عنوان احادیث عجیب و موضوع تلقی شده است، نمونه ای از این حدیث را امام رضا علیه السلام از امام جعفر صادق علیه السلام نقل کرده است: عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ السَّبْتُ لَنَا وَالْأَحَدُ لِشِيعَتِنَا وَالْإِثْنَيْنِ لِبَنِي أُمِيَّةَ وَالثَّلَاثَاءُ لِشِيعَتِهِمْ وَالْأَرْبَعَاءُ لِبَنِي الْعَبَّاسِ وَالْخَمِيسُ لِشِيعَتِهِمْ وَالْجُمُعَةُ لِسَائِرِ النَّاسِ جَمِيعًا وَكَيْسَ فِيهِ سَفَرٌ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ يَوْمَ السَّبْتِ. (ابن بابویه، ۱۳۷۲: ۴۲/۲ و ۴۳).

همچنین حدیث زیر را به عنوان حدیث جعلی آورده اند: أَنبَأَنَا هَبَةُ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ الْجَرِيرِي أَنبَأَنَا إِبْرَاهِيمَ بْنَ عَمْرِو بْنِ بَرَكَةَ حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ عَامِرٍ حَدَّثَنِي أَبِي أَحْمَدَ بْنِ عَامِرٍ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَا حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ حَدَّثَنِي أَبِي جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ حَدَّثَنِي أَبِي مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ حَدَّثَنِي جَدِّي أَبِي عَلِيٍّ بْنِ الْحَسَنِ حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: يَا عَلِيُّ عَلَيْكَ بِالْمَلْحِ فَإِنَّهُ شِفَاءٌ مِنْ سَبْعِينَ دَاءً الْجَذَامَ وَالْبَرَصَ وَالْجُنُونَ. (ابن جوزی، ۱۳۸۶ق: ۲/۲۸۹).

در مورد احادیث فوق، ابن جوزی ظاهرا به دلیل بعد عقلی مطلب، آنها را جعلی محسوب کرده است، حال آنکه بعد عقلی مطلب مساله ای است و خلاف عقل بودن مساله ای دیگر. هرچند نتایج تحقیقات اخیر دانشمندان در برخی موارد نظیر نمک و شفا بخشی آن را نمی توان از نظر دور داشت، لیکن محل سخن پاسخ به اشتباه ابن جوزی نیست. استاد غفاری در ذیل حدیث تقسیم ایام هفته به ائمه و دشمنانش می نویسد: این گونه اخبار با فرض صحت صدور (چون راویان آن چندان مورد اعتماد نیستند) محمول است بر رمز و کنایه، یعنی «شنبه» کنایه از اهل بیت است، و از «یک شنبه» طرفدارانشان و همین طور تا آخر خبر. و با فرض عدم صحت صدور که چندان بعید هم نیست، نباید گفت که چرا مؤلف خبری که احتمال صدورش بسیار ضعیف است نقل کرده، زیرا بنای قدما این نبوده

که آنچه را نقل می‌کنند قطعی الصدور باشد، بلکه آنچه را بدان احتجاج و تمسک می‌کنند باید قطعی الصدور باشد، مثلاً کلینی- رضوان الله علیه- در کافی بالاختصاص در فروع آن باخبری که نزد او صدورش قطعی بوده احتجاج میکند و اما آنچه در بابهای نادر آورده عمل نمیکند، و همچنین صدوق- رحمه الله علیه- در کتاب من لا یحضره الفقیه چنان که خود در مقدمه آن تصریح کرده، و همین طور شیخ طوسی در تهذیب در بخشی که بعنوان شرح مقنعه شیخ مفید علیه الرحمه آورده احتجاج میکند نه به تمام اخباری که در بخش زیادات هر کتاب آورده زیرا خود پاره‌ای را رد میکند، پس صرف نقل خبر دلیل بر قبول آن نیست، آری اگر بیقین میدانستند خبری مجعول است نقل آن را جایز نمی‌دانستند مگر در مقام رد آن، و اگر کسی جز این بیندیشد سخت در اشتباه است، زیرا اهل فن میدانند که مثلاً صدوق- رضوان الله علیه- اخباری در علل الشرائع، یا امالی، یا خصال نقل کرده که متضمن حکمی از احکام است، ولی آن خبر را در «فقیه» نیاورده، و در هدایه و مقنع هم که دو رساله اوست به احکامی که در آن اخبار است فتوا نداده بلکه بعکس آن رأی داده است، و نیز اخبار بسیاری نقل کرده که صراحت دارد قرآن تحریف شده است، ولی می‌بینیم در کتاب اعتقاداتش تصریح کرده که قرآن بی‌کم و کاست همین قرآنی است که در ید مسلمین است، پس بر مؤلف در نقل اخباری که احتمال صدور در آنها هست و میتوان بنحوی آن را توجیه کرد اشکالی وارد نیست، و طول کلام برای این جهت است که علماء جرح و تعدیل اهل سنت مانند ابن حبان بر حضرت رضا علیه السلام خرده گرفته و میگوید: «یأتی عن آبائه بالعجائب» و این قبیل اخبار را در پی آن ذکر کرده است. و آن حضرت علیه السلام را بدین سبب (بقول خودشان) جرح کرده‌اند، لکن پاره‌ای از آنان مانند ابن السمعانی قدری انصاف بخرج داده و نسبت جعل را به روات از آن حضرت داده‌اند، و آن جناب را تبرئه کرده و مدح نموده‌اند. (ابن بابویه، ۱۳۷۲: ۲/ ۵۲ و ۵۳)

و: اعتقاد به توسل و زیارت حضرت علیه السلام

زیارت بارگاه حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام از زمان دفن آن حضرت، مورد توجه علمای امت اسلامی اعم از شیعه و سنی بوده و مسلمانان پیوسته جهت عرض ارادت و طلب حاجت و شفای امراض به زیارت آن حضرت شتافته و به آن پیشوا توسل می‌جستند (حیبی تبار، ص ۱۲۷-۱۵۴). این توسل و زیارت بیانگر مقام والای حضرت نزد اهل تسنن- علاوه بر علو مقام حضرت نزد شیعه- می‌باشد.

این روایات گاهی نشان از مقام والای حضرت علی بن موسی علیهما السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله می‌باشد که پیامبر وی را بضعه و پاره تن خود می‌داند از جمله: عن النبی صلی الله علیه و آله وسلم قال: ستدفن بضعه منی بخراسان ما زارها مکروب إلا نفس الله کرته، ولا مذنب إلا غفر له امله. (قندوزی، ۱۴۱۶ق: ۲/ ۳۴۱).

گاهی این روایت‌ها از زبان خود علی بن موسی الرضا علیه السلام نقل شده است: والله لقد حدثنی ابي عن آبائه رضی الله عنهم عن رسول الله صلی الله علیه و سلم: إتی أخرج من الدنيا قبلک مظلوما تبکی علی ملائکة السماء والارض، وأدفن فی أرض الغربه

قندوزی، ۱۴۱۶ق: ۳/ ۱۶۷) و گاهی از زبان علمای اهل تسنن نقل شده است (حبیبی تبار، ص ۱۲۷-۱۵۴) که بیانگر جایگاه خاص و والای آن حضرت حتی پس از شهادت دارد.

نتیجه گیری

بررسی میزان اعتبار احادیث و سخنان آن حضرت از نگاه علمای رجال و حدیث اهل تسنن دارای اهمیت خاصی است؛ چرا که برخورد همسانی همچون شیعه با آن حضرت ندانسته و وی را معصوم نمی دانند. همچنین برخی برخوردهای دوگانه با احادیث حضرت به چشم می خورد که لازم است برای آن چاره اندیشی شود.

با حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در رجال اهل تسنن به شیوه ها و گونه های مختلفی معامله شده که مهم ترین آنها عبارتند از:

الف: توجه به نسب والای حضرت و اعتبار احادیث وی و در نتیجه پذیرش احادیث، البته بدون توجه به راویان

ب: سرور و سید بودن حضرت رضا علیه السلام به نشانه احترام

ج: راستی و صداقت امام به عنوان مهم ترین ملاک محدثان و رجالیون

د: نقل حدیث از امام علیه السلام به عنوان یک راوی و عدم ذکر قدح از ایشان

هـ: عجیب و غریب بودن روایات امام علیه السلام به دلیل وجود برخی مطالبی که بعد عقلی یا اعتقادی دارند

و: اعتقاد به توسل و زیارت حضرت علیه السلام که بیانگر مقام والای حضرت حتی پس از شهادت می باشد

توجه به برتری محتوای حدیث و علو متن، ملاک قرار دادن عقل صحیح، سعه صدر و تسلیم نشدن در برابر برخی اعتقاداتی که احتمال صحت آنها کمتر است و بررسی دقیق سند احادیث رضوی به حل تناقض ها در برخورد با احادیث حضرت رضا علیه السلام در نگاه علمای رجالی اهل تسنن کمک می کند.

فهرست منابع

- قرآن کریم

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۲)، **عیون اخبار الرضا علیه السلام**، ترجمه حمید رضا مستفید و علی اکبر غفاری، تهران: صدوق، چاپ اول.

- _____ (۱۳۷۸)، **عیون اخبار الرضا علیه السلام**، تهران: جهان، چاپ اول.

- ابن جوزی، سبط (۱۴۱۸ق)، **تذکره الخواص**، قم: منشورات شریف الرضی، چاپ اول.

- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۳۸۶ق)، **الموضوعات**، تحقیق عبدالرحمن محمد عثمان، مدینه: محمد عبدالحسین، چاپ اول.

- ابن حبان، محمد (۱۳۹۳ق)، **الثقات**، حیدرآباد: مجلس دایرة المعارف، چاپ اول.

- ابن عساکر، علی بن حسن (۱۴۱۵ق)، **تاریخ مدینه دمشق**، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت/ لبنان: دار الفکر، چاپ اول.

- ابن ماجه قزوینی، محمد بن یزید (بی تا)، **سنن ابن ماجه**، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت، دار الفکر، چاپ اول.

- جزائری، نعمت الله بن عبدالله (۱۴۲۷ق)، **ریاض الابرار فی مناقب الائمة الاطهار**، بیروت: موسسه التاريخ العربی، چاپ اول.

- جعفریان، رسول (۱۳۸۱)، **حیات فکری و سیاسی ائمه علیهم السلام**، قم: انصاریان، چاپ ششم.

- حبیبی تبار، حسین و مروجی طبسی، محمد محسن، **توسل و زیارت در منابع اهل سنت و نقد دیدگاه وهابیت با**

تاکید بر زیارت امام رضا علیه السلام، فصلنامه علمی پژوهشی اعتقادهای کلامی، سال دوم، شماره ۵ بهار ۱۳۹۱ ص ۱۲۷-۱۵۴.

- خطیب بغدادی، احمد بن علی (۱۴۱۷ق)، **تاریخ بغداد أو مدینه السلام**، تحقیق مصطفی عبد القادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه، چاپ اول.

- شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، **نهج البلاغه**، تحقیق صبحی صالح، قم: هجرت، چاپ اول.

- _____ (۱۳۷۸)، **نهج البلاغه**، ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران: شرکت انتشارات علمی و

فرهنگی، چاپ چهاردهم.

- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات

اسلامی، چاپ پنجم.

- عطاردی، عزیز الله (۱۳۹۷ق)، (۱۴۰۶ق)، **مسند الامام الرضا ابی الحسن علی بن موسی الرضا علیهما السلام**، مشهد: آستان قدس رضوی، چاپ اول.
- قندوزی، سلیمان بن ابراهیم (۱۴۱۶ق)، **ینایع الموده لذوی القربی**، تحقیق علی جمال اشرف الحسینی، قم: دار الاسوه، چاپ اول.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، **الکافی**، تهران: اسلامیة، چاپ چهارم.
- مزی، جمال الدین یوسف (۱۴۰۶ق)، **تهذیب الکمال فی اسماء الرجال**، بیروت: مؤسسۃ الرسالۃ، چاپ چهارم.